

مصدق پیدا نمیکرد - پایه ارجح تحقیق بکجا منجر میشد؟!.

پس آیا - هنوز هم در این کتاب مبین (فرقان) و دین مبین (اسلام) که اینگونه بر اساس عقل و علم استوار میباشد - جای شك و ریب است؟ که گوئیم - این کتاب عقل (قرآن) و دین علم (اسلام) همیشه در همه جا - ضمان اجرای آن با خود او است؟! ضمناً - ناکفته نماند که =

از جواهر حقایق آیه مبارکه = «لا یرون فیها شمساً ولا زمهریراً!!» که ترجمه آن این شد = «ساکنان بارگاه مینوخرند (بهشت) = از تعب گرما و سرما مصون میباشند - !!» و از پیوند حدیث شریف مذکور = (راجم به خلق عجیب فرشته الفت) با همین آیه شریفه نتیجه گرفتیم که = «قطبین جهان = کیفی میباشد» - این نکته مهمه ناکفته ماند که =

پس اکنون که دو شپیر (شمس و زمهریر) مرغ هیولی = تنها قطبین کیفی (حرارت و برودت) نشأه طبیعت را نشان میدهند معلوم میشود که = همین حرارت و برودت که ما آندو را = کدبانو و کدخدای جهان طبع خواندیم در ماورای نشأه طبیعت = (که عالم امر = حقیقت باشد) - حکومت ندارند.

حال که چنین است و بر تو این حقیقت هم از مشرق علم لدن احمد مختار (ص) و آل کبار ۴ بر جهان و جهانیان تاییده است -

پس اگر - خاتم الادباء = سعدی (علیه الرحمه) در شان عقل کل = ختم رسل و آل ذی الجلال او همان آیه مبارکه «لا یرون فیها شمساً ولا زمهریراً» را بدینگونه تفسیر نموده باشد که =

(شمس و قمر در زمین حشر نباشد = نور نتابد مگر ز آل محمد (ص) نه تنها بیجا گفته - بلکه در سفته است.

آری - عالم آخرت = باطن آفاق یعنی نشأه انفس است. و در عالم ماوراء - (انفس) مهر و ماه طبیعت = (آفاق) را بر تو و فروغ نباشد = «اذا الشمس کورت ☉ و اذا لنجوم التکدرت ☉»

در اینجا ظاهر بینان کور باطن که = همواره حقایق علوی عالم مجردات

(امر) را در مجازات سفلی نشأء مقیدات (خلق) جستجو مینمایند !! - و با همین انتظار (ظهور عالم حقیقت در نشأء طبیعت) = در حقیقت منکر آخرت (ماوراء الطبیعه) می باشند -

ممکن است = مشت خود را باز و بر ما اعتراض کنند که = « پس بهشت و دوزخ جسمانی چه میشود !! »

ماهم در جواب این سؤال برای حل اشکال = سه آیهٔ وافیه هدایه را از سوره مبارکه « واقعه » ذکر مینماییم که =

« ۱ - فاما ان كان من المقربين = فروح وريحان وجنة نعیم ۳ - واما ان كان من اصحاب اليمين = فسلام لك من اصحاب اليمين ۴ - واما ان كان من المكذبين الضالين = فنزل من حمیم و قصلية جحیم !!! »

پس اگر راز سر اسرار اعجاز کلام ملک علام را ندانسته و درک جواب ننمودند - دوباره بعنوان تأکید هم که باشد = در تفسیر دو آیه یکم و سوم (از سه آیه مزبوره) =

کلام عارف قیومی = جلال الدین رومی (ره) را نقل مینماییم که =

« هر بود اندیشه ات گل = گلشنی  
و ربود خاری : توهیمهٔ گلشنی !! »  
ضمناً باید آگاه باشند که =

آخرت : عالم تجوهر اعراض و نجسم اعمال و نیات میباشد که در آن = ملکوت ملکات انسان ظاهر و ماهیت شخص = به نسبت مستقیم ملکوت ملکات (در نتیجهٔ تجسم اعمال و نیات) متبدل خواهد شد. چنانکه =

سلالة کائنات و اشرف ممکنات ، انسان روحانی و روح انسانی ، عقل کل و ختم رسل (ص) فرماید =

« الناس يحشرون على صورة اعمالهم و نياتهم !! »

این است که ما = در تفسیر این حدیث شریف و آن سه آیهٔ مذکوره (از سوره واقعه) = نظماً بیان نموده ایم که =

« جمله امواج قوای تو است جنت با جحیم = کز تو زاید در تو : شاهد = عالم رؤیاستی »

( از قصیدهٔ شاهد و مشهود - نگارنده - ق )

باری بحث از آخرت و ثواب و عقاب خود بهیچ مفصل است و بقول معروف  
 ع « این رشته سر دراز دارد » پس گنجایش این باب « شرح قطبین کیفی جهان » را  
 ندارد لکن باز هم بحکم = « مالا یدرک کله - لا یتدرک کله - »  
 من از مفصل این باب مجملی گفته تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل  
 ضمناً - در این باب (آخرت) هم گرچه خارج از بحث کنونی ما بود - لکن  
 اکنون که اشارتی رفته - این حقیقت نیز ناگفته نماند که =

چون - عرض = فانی و بیقرار است و (بعکس) جوهر = باقی و پایدار میباشد -  
 لاجرم - همان تجوهر اعراض و تحقق ملکوت ملکات که گفتیم = از خصایص  
 عالم آخرت (ماورای طبیعت) میباشد -

سربقای عالم آخرت و وجه تسمیه آن به دار حیوان (حیات ابد) میباشد که =  
 « ان الدار الاخرة = لهی الحیوان . لو كانوا یعلمون ! »  
 آری دنیا = نشأه اعراض فانیه و محل آفات و زوال میباشد . که =

« هر چیز که باروز و شب آید برود باز باقی تزیید هیچ = اگر عزو اگر دل  
 (حکیم قانی ره)

لکن آخرت = عالم جواهر باقیه و دار سلامت از حوادث و فناء و آرمیدن جان  
 در جوار حضرت جانان میباشد که =

« لهم دار السلام عند ربهم .. »  
 و وقف کتابخانه مدرسه فیضیه قم  
 پس اگر از ما - سؤال شود که =

اگر آخرت مطلقاً دار السلام میباشد پس عقوبت کفار کجا خواهد بود ؟ -  
 جواب گوئیم -

پس از مرگ هم - باز در همین دنیا !!

اگر قبول ندارید - رار آنرا در خود کفار ببجوئید و ملاحظه کنید که = اینان  
 آیا هرگز در دوران زندگی دنیوی (حظه بی مال اندیش بوده و گامی بسوی آخرت  
 سفر نموده اند تا پس از مرگ ملکوت اعلی (بهشت عنبر سرشت) آنانرا طرد ننماید  
 و با نوسری به زندان طبیعت واپس نراند ؟

بانہ = بلکه همواره منظر در طبیعت و منہمک در شہوات میباشند کہ =  
چون عالم حقیقت نقاب از چہرہ اعمال و نیات برگیرد - آنرا = همان مسجون  
در طبیعت خواهید یافت کہ =

همواره هر کدام = (ع) « سفر در پیش دارد - دل بدنبال »  
« اخذ الی الارض و اتبع هواہ و کان امرہ فرطاً !!! »  
آری = عالم آخرت : دارالسلام هست . امانہ مطلقاً - بلکه = در مقابل ملکوت  
اعلی = « دارالسلام » ، ملکوت اسفل = « دارالبوار » نیز وجود دارد !!  
یک منظرہ شاعرانہ - رقص اقیانوس ( به شکل صلیب دوار ) و یک شہد  
عارفانہ : راز پیروزی ملل -

بطور کلی - لازم است : خوانندگان این کتاب « دین و دانش » همواره این اصل  
را در نظر داشته باشند کہ =

چون این کتاب ( بحکم لزوم تناسب اسم بلوریمی ) = بمنظور تحلیل حقایق  
ارباب وحی ( انبیاء (ع) ) و توجیہ افکار اصحاب فکر ( حکماء (ره) ) سپس ترکیب آن  
حقایق با افکار باہم ( برسم میانجیگری بین حوزه روحانی و دانشگاہ ) نگاشته میشود -  
لہذا لازم است کہ ما =

همواره در حل و عقد امور ( مذهب و فلسفی ) - ہم وجہ سیرت ، ہم = جنبہ  
سورت را رعایت کنیم ( تا = ہم حوزه روحانی از ما راضی باشد ، ہم = دانشگاہ  
خشنود ) . این است کہ = ہمیشہ ( حتی الامکان ) در بیان هر حقیقتی : از وجہ متافیزیک  
( علوم ماوراء الطبیعہ ) آن گرفته ، تا جنبہ مکانیک ( سازمان ہندسی ) آنرا = هر چه  
ہست با رعایت نہایت اختصار تشریح می نمائیم ::  
( بعون اللہ تعالی ) .

یکی از همان امور ( دینی و منطقی ) کہ = ما هنوز مشغول بہ حل و عقد آن  
میباشیم - تحقیق در ( قلمین کیفی جهان ) میباشد کہ : آیہ مبارکہ =

« لایرون فیہا شمساً و لایرمہریرا » سر لوحہ مبحث و حدیث شریف =

« رایت ملکالہ جناحان - جناح من الثلج و جناح من النار ... » مؤکد مطلب  
واقع شد تا = نخست این حقیقت غامضہ آشکار گردد کہ =